گل نیلوفرآبی در مکتب نقاشی گورکانی

فائزه صالحی وژده نظری*

چکیده: هدف اصلی این پژوهش تجلی نقش‌مایهٔ نیلوفر آبی، در نگارگری مکتب گورکانیان است.این مکتب حاصل پیوند نگارگری هندی و ایرانی است.بسیاری از هنرمندان ایرانی بنا بر دعوت همایون شاه به سوی دربار هند شتافتند و در آن جا عناصر هنر نگارگری ایرانی را با شیوه هندی درآمیختند.میر سید علی و میر مصور از آن جمله هنرمندان شاخص این شیوه بودند.
در این نوشتار سعی شده با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، به تحلیل مکتب گورکانی به لحاظ نظری و همچنین ارائهٔ نمونه‌های تصویری پرداخته و سپس به مفهوم اساطیری و نمادین گل نیلوفر در فرهنگ ایران و هند و تأثیرات دو جانبه این دو فرهنگ در نگارگری گورکانی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: نیلوفر آبی ـ مکتب گورکانی ـ ایزد مهر

مقدمه

مکتب گورکانی از ترکیب و در هم آمیزی عناصر موجود در فرهنگ ایرانی و هند، پدید آمده است، نگارگران ایرانی با چیره دستی تمام هنر ایرانی را به شکل چشمگیری در این مکتب هویدا ساخته اند.نقاشان در این دوره از پایگاه اجتماعی رفیعی برخوردار بوده‌اند و پادشاهان چه در ایران و چه در هند، بین هنرمندان با دیگر اقشار جامعه تبعیض زیادی قائل می‌شدند نقش‌مایه نیلوفر در هر دو فرهنگ ایرانی و هندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می باشد. هویت گل نیلوفر آبی در ایران را برخی از نویسندگان انکار کرده‌اند، که در بخشی از مقاله نویسنده خلاف این نظر را اثبات می‌کند. در ایران نقشمایه نیلوفر با دو ایزد آناهیتا و مهر در ارتباط است." مهر به شکل نیلوفری بر سطح آب متولد می شود و آناهیتا ایزد آب هاست. در اینجا نیز همچون اسطوره‌های هندی، آب بن‌مایه عالم است و باقی موجودات فرزندان او، از این رو مهر را باید فرزند آناهیتا دانست. در اسطوره های ایرانی نماد آناهیتا به عنوان ایزد آب، نیلوفر است یعنی به عبارت دیگر آناهیتا در آیین باستانی ایران هم عامل آفرینش و هم عامل ظهور آن است. این مسئله در کنار وجود روایاتی که تولد مهر را از آناهیتا، آن هم نشسته بر گل نیلوفر نشان می‌دهد، آناهیتا و مهر را دو ایزد نیلوفرین ایرانی قرار می‌دهد". (بلخاری،۱۳۸۴،۶۹) "از طرفی در روایات کهن ایران، گل نیلوفر آبی را جای نگهداری تخمه یا فر زرتشت، که در آب نگهداری می شد، می دانستند و از این روست که نیلوفر با آئین مهری پیوستگی نزدیک می‌یابد. در صحنه زایش مهر آن چیز که مانند میوه کاج است و مهر از آن متولد می‌شود، غنچه نیلوفر و نه صخره است". (یا حقی، ۱۳۷۵، ۴۲۹)

نقاشی گورکانی

"هنر گورکانی مربوط به امپراتوری گورکانیان «مغولان هند» است، که تحت حمایت همایون شاه (میانه سده شانزدهم/ دهم ه) آغاز شد و تحول آن تا زمان محمد شاه گورکانی (نیمه نخست سده هجدهم/دوازدهم ه) ادامه یافت. نگارگران ایرانی همچون میرسید علی و عبدالصمد شیرازی در بنیان گذاری آن نقش اساسی داشتند". (پاکباز، ۱۳۸۱، ۵۸۹)

"دوره نخستین اعتلای نگارگری ایران عصر سلطان حسین بایقراست. بابر و فرزندش همایون شاه، مانند پسرعموهای ایرانی شده خود، یعنی شاهزادگان تیموری که

* کارشناسی ارشد رشتهٔ پژوهش هنر، کارشناسی گرافیک، مدرس در دانشگاه آزاد نطنز و دانشگاه آزاد شهر ری.

در ایران سلطنت کردند، به هنر ایرانی علاقه بسیار داشتند. دقت و توجه بابر در تدوین کتاب با برنامه که به راستی از لحاظ هنر توصیف کم‌نظیر است، دلیل بر این مدعاست. مسافرت همایون شاه به ایران و مشاهدهٔ توجه خاص شاه تهماسب به هنرمندانی که جانشین بهزاد و همکارانش شده بودند، وی را بر آن داشت که در صورت امکان یک یا چند نفر از هنرمندان ایرانی را با خود به افغانستان و هند ببرد. بدیهی است شاه تهماسب حاضر نبود که مهمانش چنین کند و می‌خواست که هنرمندان در دستگاه صفوی بمانند، اما وعده‌های همایون سبب شد که دو نفر از استادان به نام هنر ایران وارد دربار همایون شوند، میرمصور با دریافت هزار تومان پیشکش در سال ۹۲۴ خورشیدی (۱۵۴۵ میلادی) به همایون پیوست. میرمصور، پسر جوان و هنرمند خود، میرسید علی را نیز همراه برد". (گری، ۷۷،۱۳۶۷ و ۷۸). "میر سید علی سرپرستی تصویرگری کتاب امیر حمزه را بر عهده داشت و از تصاویر این کتاب است که نقاشی مغولی هند(مکتب گورکانی) پا گرفت." (رجبی،۱۳۸۴، ۳۰۶) "قدیم‌ترین و به عبارت بهتر، نخستین نقاشی سبک مغولی یا هندی که اکنون در دست است، توسط همین میرسید علی تهیه شده و اکنون در موزه بریتانیا موجود است.این تصویر قطع بزرگی دارد (هر طرف ۱۲۵ سانتیمتر) و روی پارچه کشیده شده است و با این که به طور کامل ایرانی و صفوی است، نقاش برای خوشامد پادشاه سعی کرده است که به تن شخصیت‌های موجود در تصویر، لباس مغولی تیموری بابری بپوشاند. چهار سال بعد در ۹۲۸ خورشیدی (۱۵۴۹ میلادی) خواجه عبدالصمد، نقاش دیگر دربار صفوی نیز به خدمت همایون وارد شد. این دو نفر، میرسید علی و عبدالصمد، به تناوب مدیریت کتابخانه همایون را که حتی در سفر نیز همراه می‌برد، برعهده داشتند." (گری، ۷۷،۱۳۶۷ و ۷۸) "تمام هنرمندان در این دوره از جایگاه خاص اجتماعی برخوردار بودند.وجه عبدالصمد به سبب مهارت شگفت انگیزش در خطاطی فزون یافت. او در نمایش جزئیات و علاوه بر آن در نقاشی حیوانات نیز هنرمندی شگفت‌انگیز بود." (رجبی،۱۳۸۴، ۳۰۸و ۳۰۶)

بنابراین می‌توان گفت که این مکتب هنری در عهد همایون شاه بوجود آمد. اما در زمان پادشاهی دیگر به نام اکبرشاه گسترش یافت و با خلق آثار جدید، موجودیت خود را اعلام داشت. "اکبر شاه فردی بی سواد بود ولی به کتاب عشق می ورزید به ویژه کتاب‌هایی که دارای تصویر بودند. اکبر شاه نوعی تجدد طلبی را در هنر سرزمین هند رواج داد.او آمیزش سنت های هندی، ایرانی و اروپایی را توصیه کرد و بدین صورت اصول طبیعت پردازی غربی و شیوه تزیینی و تجریدی ایرانی را با سنت های تصویری هند و به خصوص رنگ های تند و خالص، به هم آمیخت و از آن پس شیوه ای به وجود آمد که در اساس وحدت کامل نداشت.

در زمان اکبرشاه نسخه‌های خطی بیشماری بر مبنای شیوهٔ مذکور ساخته شد و به سه گروه آثار شعرای ایرانی آثار ادبی کهن هند آثار تاریخی و شرح وقایع تقسیم می‌شود." (حسینی، ۱۳۸۸، ۴۷)

" از آثار این دوره طوطی نامه، جامع التواریخ، اکبرنامه و گلستان سعدی است. در تصاویر تمامی این کتاب‌ها، اصول هنر کلاسیک غرب، یعنی بُعدنمایی، سایه پردازی و حجم نمایی، پرداختن به جزئیات و زنده بودن حرکات نفوذ کرده بود. این اصول از طریق مهاجران پرتغالی و هیئت‌های مسیحی به هند رسیده بود. مصوران عهد اکبرشاه، تصاویر را در قابی قرار می‌دادند و تمامی سطح یک صفحهٔ کتاب را پر می‌کردند و به تقلید از نگارگری‌های ایرانی چند سطر شعر یا نوشته را در داخل تصویر جای می‌دادند". (رهنمون، اسلامی،۱۳۸۷، ۶۵)

"کتاب جامع التواریخ اثر خواجه رشید الدین فضل اللّه همدانی، طبیب، دانشمند و همچنین وزیر ایلخانان مغول ایران است.این نسخه به قطع ۳۹ × ۲۹ سانتیمتر، برکاغذ کشمیری و به قلم نستعلیق نیم دو دانگ به سال ۱۰۰۴ ه.ق کتابت شده است.دو سر لوح مذهب و ۹۸ نگاره دارد که در زیر هر کدام نسبت نقاشی و طراحی هر یک را به هنرمندی داده اند.این نسخه دارای ۳۰۵ ورق ۲۵ سطری است و جلد آن از بیرون ضربی طلاپوش با نقش گل و درخت و جانوران گوناگون و از اندرون سوخت با نقش لچک بر زمینه رنگین می باشد" (رجبی، ۱۳۸۴، ۳۷۳). (تصویر۱)"

تصویر ۱: برگی از جامع التواریخ رشیدی، طرح نان‌های چهره نامی مادهو عمل منصور، ۱۰۰۴ق، کاخ گلستان

همچنین کتاب اکبرنامه در این دوران نیز تاریخچه‌ای است از زندگانی جلال الدین محمد اکبر شاه هندی، نوه بابر شاه است که در هند سلطنت نمود.شرح کتاب سوانح زندگانی و وقایع سلطنت اکبر شاه از ابتدای کودکی تا فتح قلعه سورت است.قطع این نسخه رحلی،۳۷×۲۹ سانتیمتر و شامل ۶۶۶ صفحه و هر صفحه ۲۵ سطر است. خط آن نستعلیق و در سال ۱۲۳۸ ه.ق کتابت شده است.صفحات مصور این نسخه شامل ۱۲ نگاره به شیوه هندی و ایرانی می باشد.روی جلد این نسخه ابره تیماج زرد، ترنج و نیم ترنج، کتیبه دور، مطلای منگنه و روی جلد سوخت تحریر ملون می باشد". (رجبی، ۱۳۸۴، ۳۸۱) (تصویر۲) این دو نسخه از نمونه های بارز ارتباط میان نگارگران ایرانی نگارگران دربار مغولان هندی است. نسخه ای از کتاب جامع التواریخ و اکبر نامه اکنون در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می شود.

تصویر ۲: شبیخون آوردن افغان، هنرمند نامعلوم، تاریخ اکبر شاه هندی، ۱۳۲۸ ق، کاخ گلستان.

"از دیگر کتاب های مهم دیگر مکتب گورکانی که اشاره ای کوتاه به آن شد، حمزنامه است که میر سید علی و عبدالصمد به همراهی پنجاه دستیار هندی به مصور سازی این کتاب بزرگ که مشتمل بر ۱۴جلد و ۱۴۰۰تصویر بر روی پارچه، همت گماردند.مصور سازی این نسخه در مدت ۱۵سال و در کارگاه اکبر شاه انجام شده است.روند کلی داستان ها و نگاره هایی که بر مبنای آن ها مصور شده اند، ستیز امیر حمزه با کفار و تلاش وی برای مسلمان شدن آنها می باشد.مضامین این داستان ها تخیلی، تاریخی، حماسی، مذهبی و گاه عاشقانه است.جذابیت این مجموعه در قطع بزرگ تصاویر، درشت نمایی عناصر، قرار گرفتن متن در پشت تصویر و بالاخره کاربرد آن در سنت نقالی خلاصه می شود". (رهنمون، اسلامی،۱۳۸۷، ۶۵) "این نخستین اثر مهم در سبکی بود که از مکتب کمال الدین بهزاد مایه گرفت، ولی به سبب کوشش نقاشان برای بازنمایی واقعیت عینی، فاقد جوهر زیبایی شناختی نگارگری ایرانی بود". (پاکباز، ۱۳۸۱، ۵۸۹)

"بزرگترین مجموعه از تصاویر حمزه نامه به موزه ملی وین واقع در اتریش متعلق است که حاوی ۶۰ نقاشی می‌باشد".(سایت پژوهشکده فرهنگ و تمدن ایران زمین)

"مورخان در توصیف حکومت پنجاه سالهٔ اکبر گورکانی، که از جانب مادر به خانواده ای از نجبای ایرانی تعلق داشت، نوشته اند که حکومت این حکمرانِ فارسی دوست به دلیل عشق و علاقه به فرهنگ و تمدن ایران، رنگی کاملاً ایرانی به خود گرفت. شاهد این قول همان بس که او جشن نوروز را در دربار خود مرسوم کرد و جشن های باشکوهی به شیوهٔ پادشاهان ایران ترتیب داد.در ایام سلطنت او، علاوه بر رواج شعر و ادب و آداب و رسوم ایرانی را در هند، هنر نقاشی و فن معماری نیز به سبک ایرانی در شبه قاره رواج گرفت". (تونکی، ماورا النهری ،۶۶)

شیوه تلفیقی در نقاشی گورکانی

"در دوران حاکمیت اکبرشاه فرزند همایون، که سیاست وحدت ایدئولوژیک و فرهنگی را در قلمرو وسیع خود دنبال می کرد، شگردهای طبیعت پردازی اروپایی نیز به کار گرفته شد.بدین سان، در کارگاه وابسته به دربار گورکانی شیوه ای التقاطی متشکل از عناصر ایرانی، هندی و اروپایی رخ نمود که در جریان های پسین نقاشی هند و ایران اثر گذار بود.

در کارگاه پر رونق اکبرشاه، نقاشانی چون عبدالصمد، میرسید علی، دسونته، بساون، لعل، مسکین، گوردهن و منصور فعال بودند و نسخه های متعددی از زندگینامه ها، متون تاریخی، دیوان شاعران ایرانی و ترجمه فارسی ادبیات هندی را به تصویر کشیدند.". (پاکباز، ۱۳۸۱، ۵۹۰) "در دوران جهانگیر، چهره پردازی شبیه سازانه و ترسیم گل ها و گیاهان به صورت طبیعت گرایانه و تزیینی رونق گرفت و تا سده نوزدهم میلادی ادامه یافت." (رجبی، ۱۳۸۴، ۳۰) "در قرن یازدهم هجری نوعی صحنه پردازی که بیشتر تحت تأثیر هنر اروپایی، به خصوص هلند، بود رواج یافت. در این صحنه ها امپراتور در حال شنیدن موسیقی یا مباحثه با فرزانگان نشان داده می شد. بدین ترتیب، رفته رفته هنر مسلمانان کیفیت تجریدی هنر اسلامی را وانهاد و در مسیری گام نهاد که هنر کلاسیک اروپایی آن را از قرنها قبل تجربه کرده بود". (حسینی،۱۳۸۸، ۴۷) (تصویر۳)

تصویر ۳: دربار جهانگیر، مکتب گورکانی، قرن ۱۱ ق، مرقع نگارگری‌های هندی و ایرانی، برگ ۳۴

"نگارگری گورکانی در زمان اورنگ زیب دچار رکود شد و بسیاری از هنرمندان به دربار راجه های هندو روی آوردند.احیای آن در زمان محمدشاه نیز چندان نپایید.در پی سلطه استعماری انگلستان، این مکتب و سایر مکتب‌های نگارگری قدیم هندی از میان رفتند". (پاکباز، ۱۳۸۱، ۵۹۰)

نیلوفر آبی در فرهنگ هند وایران

"گیاهان «تیره نیلوفر آبی» علف هایی آبزی و پایا با برگ هایی ساده‌اند. تیره نیلوفر در جهان شامل هفت جنس و صد گونه می باشد که در کشور ایران سه جنس با چهار گونه از این تیره در آب های راکد و شیرین شمال و غرب کشور می‌روید. این گیاه با نام های نیلوفر زرد، نیلوفر سفید و نیلوفر مردابی در ایران شناخته می شود".(سایت دانشنامه رشد)

نام نیلوفر در فرهنگ دهخدا به گونه های نیلوپر، نیلوپل، نیلوپرک و نیلوبرک آمده است.همچنین در فرهنگ دهخدا از جشن نیلوفر ایرانیان قدیم نام برده شده است. مولف برهان قاطع ذیل مرداد آرد: "مرداد نام روز هفتم باشد از هر ماه شمسی و بعضی روز هشتم گفته اندو فارسیان بنابر قاعده کلی این روز را عید کنند و جشن سازند و این جشن را جشن نیلوفر خوانند و در این روز هر که حاجتی از پادشاه خواستی البته روا شدی". (فرهنگ دهخدا)

رمز شناسی نقش مایه نیلوفر در فرهنگ هند و ایران

"در اندیشه هندوان گل نیلوفر، نماد ظهور، تجلی، نظم و زیبایی است.سر بر آوردن نیلوفر از آب که نماد نور، روشنی و حیات است و همچنین گشوده شدنش به هنگام طلوع خورشید و بسته شدنش به هنگام غروب و ظهور ماه، بنیادی ترین اجزا مفهومی آفرینش در ادیان شرقی یعنی نور، آب و ظهور را به تجلی می گذارد.بنابراین حدیث تجلی که تنها انگاره نسبت میان خالق و خلق در ادیان شرقی به ویژه هندو، اسلام و مذهب زرتشتی است، در بازیافت نیلوفر و ایزدان آب، ماه و خورشید در اسطوره های ایرانی و هندی(و به ویژه بودایی، زیرا بودا نیز خود را چون نیلوفری می داند که گرچه از آلودگی ها سر بر آورده اما به آلودگی ها نیالوده) ممکن و میسر است.

در پوراناها از متون بودایی هند، پیرامون گل نیلوفر گفته شده است که از ناف «ویشنو» در حالی که بر روی مارشیشناگ دراز کشیده است نیلوفری می روید، که به نحوی اشاره به رویش این نیلوفر از مرکز عالم دارد.(تصویر ۴) «برهما» نیز به عنوان خدای خلاق از دل نیلوفر خلق شده است و با خلق او، آفرینش در عالم آغاز می گردد". (بلخاری، ۱۳۸۴، ۱۶ و ۱۷) از طرفی بودا نیز نشسته بر گل نیلوفر نقش شده است.

تصویر ۴: رویش نیلوفر از ناف ویشنو، حسن بلخاری، اسرار مکنون یک گل، ۱۸.

"در اساطیر ایران این گل انگاره ای از ایزد بانوی آناهیتا(ناهید) است که جای مهمی در آئین های ایران باستان به خود اختصاص می دهد.وی ایزد بانوی آب می باشد که در نقوش برجسته به صورت زنی جوان حجاری شده است نام این ایزدا نخستین بار به صورت آناهیتا در کتیبه های هخامنشی دیده شده است.نام این ایزد که به گونه های ناهیده، ناهد، ناهده و آناهید در فارسی آمده و در پهلوی به شکل آناهیت، آناهیذ و در اوستا و نوشته های هخامنشی آناهیتا است". (همان، ۷۱) در اهمیت و عظمت این الهه در کتاب مقدس اوستا بخشی به نام آبان یشت در دو قسمت نوشته شده است.یک قسمت مربوط به مدح وستایش ناهید و قسمت دیگر آن پیرامون ستارگان نوشته شده است. این جا لازم است برای درک بیشتر از جایگاه ایزدان به قرارگیری چند« ایزد» مرتبط با نقش مایه نیلوفر مطالبی به اختصار بیان شود. بسیاری از دانشمندان معتقدند که چون جامعه هند و اروپایی به سه طبقه

فرمانروایان، جنگجویان و کشاورزان تقسیم می شد، خدایان نیز به سه دسته تقسیم می شدند.این فرضیه مربوط به ساخت سه گانه جامعه بشری و ایزدی همچون کلیدی برای گشودن بسیاری از مشکلات اسطوره شناسی ایران به کار گرفته شده است. (هینلز، ۱۳۸۴، ۳۴) در اعتقادات ایرانیان سه خدای اهورامزدا، آناهیتا و مهر از جایگاه ویژه پرستشی برخوردارند.از دیدگاه رومان گیرشمن باستان شناس فرانسوی، تقدم آناهیتا بر دو ایزد دیگر یعنی اهورامزدا و مهر در دوره دوم هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان سبب گردید که تمام معابد ایرانی به نام آناهیتا ساخته شود.معبد ناهید در بیشاپور وآناهیتا در کنگاور و همچنین محوطه تخت سلیمان در آذربایجان غربی پاسخی به این ادعاست. (بلخاری، ۱۳۸۴، ۷۸) بنابراین گل نیلوفر آبی را انگاره از ایزد آناهیتا به شمار می آورند."نیلوفر با آئین مهری نیز پیوستگی نزدیک دارد. مهریزد به معنی ایزدمهر می باشد. یزد به معنی ایزد است". (ابواقاسمی، ۱۳۸۶، ۱۱۱) "مهر به نام های میثره در اوستا ومیترا در زبان سانسکریت نیز خوانده می شود."مهر در هند باستان دوستی و پیمان معنا می دهد و معمولا" با «ورونه» یعنی سخن راست به یاری خوانده می شود.مهر در ایران ایزدی است که از نظم یا راستی محافظت می کند.اوست که بر دیوان دروغ می تازد و آنان را شکست می دهد." (هینلز،۱۳۸۴،۱۱۹) مهر در ایران جزو یکی از خدایان سه گانه است و هنوز هم در دین زرتشت جایگاه خاص خود را دارد."جشنی به افتخار مهر، داور سرزمین ایران است." (همان،۱۲۲) "این جشن از روز شانزدهم تا بیست و یکم مهرماه به مدت پنج روز طی مراسم خاص برگزار می شده است.روز شانزدهم به مهرگان کوچک و روز بیست و یکم(رام روز) به مهرگان بزرگ معروف بوده است." (یاحقی،۱۳۷۵، ۴۰۶) "هنوز معابد زرتشتی در ایران، درمهر خوانده می شود." (هینلز،۱۳۸۴، ۱۲۲) "محراب با مهر نیز ارتباط دارد.محراب به معنای خانه مهر یا پرستشگاه مهر می باشد.نخستین محراب‌ها متعلق به آئین مهر است. آئین مهر از ایران به اروپا رفت و بخش مهمی از اروپا را گرفت.ساسانیان و مسیحیان در اروپا با این آئین جنگیدند و آن را ریشه کن کردند زیرا عدالت اجتماعی، پهلوانی، رادمردی، مهر و راستی را در خود داشت. نمونه هایی از محرابه‌ها (معابد آئین مهر) هم اکنون در ایران موجود است." (حصوری، ۱۳۸۵، ۵۵)

"در آئین مهر باور بر این بوده است که مهر درون آب متولد شده است.به همین دلیل در آثار این آئین، مهر را به صورت کودکی بر روی نیلوفر آبی تصویر می کنند."(همان، ۴۳) (شکل۵) "یکی از دلایلی که سبب می شود نسبت ایزد مهر با نیلوفر مشخص گردد، پرسشی است که زرتشت از آناهیتا دارد، بدین مضمون که: با کدامین ستایش تو را بستایم؟ آناهیتا پاسخ گوید:

از هنگام برآمدن خورشید تا به گاه فرو رفتن خورشید". (بلخاری،۷۲) همانگونه که گل نیلوفر از برای باز و بسته شدنش از همین قانون پیروی می‌کند. بنابراین بر خلاف اینکه ریشه نیلوفر را در آئین بودا پنداشته‌اند، به آئین مهر یا میترائیسم که قدمتی بس طولانی‌تراز آئین بودا دارد مربوط می‌گردد.

تصویر ۵: مهر بر روی نیلوفر آبی، حسن بلخاری، ۱۳۸۴، اسرار مکنون یک گل.

تا اینجا به مضمون‌شناسی ایزدان مهر پرداختیم، اما بین این دو ایزد ارتباطی وجود دارد که به اختصار بازگو می کنیم. از اعتقاد کهن ایرانیان این است که بین آب و روشنایی نسبت و ارتباطی مطلقی می‌بینند. در وندیداد، فرگرد بیست و یکم، خطاب به ابر (دریای فراخ کرت را جای گرد آمدن همه آب‌ها می‌داند). آمده است: ایرانیان بر این باور بودند که آب و روشنایی از یک چشمه‌اند و در یک بستر روان می شوند.همچنان که روشنایی از البرز بر می‌آید، آب ها نیز از همان جا می نوشند و به همان جا باز می گردند.

از سویی دیگر، میان کوه و گلبرگ های نیلوفر نیز رابطه ای برقرار است. "در اساطیر هند، کوه مرو در مرکز زمین «جامبودویپا» قرار یافته و این کوه معادل همان کوه البرز در ایران باستان و کوه قاف در ایران اسلامی است.روی قله مرو شهر برهمن است.در رساله های پورانا سرزمین های دیگری را که دور کوه اساطیری قرار گرفته اند به گلبرگ های گل نیلوفری مقایسه می کنند".(شایگان،۱۳۸۱، ۱۹۵)

حضور نیلوفر در مکتب گورکانی

"در کتاب مرقع نگارگری های هندی و ایرانی از قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی، تعداد ۴ تصویر از ۱۱۰ تصویر مرقع آورده شده که در این گفتار منبع در دسترس و مورد استناد در بررسی ها می باشد. این مرقع در برگیرنده نگارگری های هندی و ایرانی و همچنین مجموعه ای از نفیس ترین آثار خوشنویسی میر عماد می باشد که از این میان نویسنده بخش نگارگری را مد نظر قرار داده است.در این جا به بررسی این تصاویر با استناد به منبع اصلی که یک آلبوم تصاویر به همراه دو کتاب راهنما به دو زبان انگلیسی و روسی است، می پردازیم.تصاویر از مرقعی که به زبان روسی است، گرفته شده و توضیحات زیر تصاویر با استناد به راهنمای مرقع که به زبان انگلیسی است آورده شده است".

. T.V. Grek, Album of Indian and) Persian miniatures of the XVI-XVIIIth centuries)

تصویر ۶: تصویر ۹ ازمرقع، "قسمت بالا و سمت چپ تصویر: پیرزن، عمل نادر الزمان، مکتب گورکانی، ربع اول قرن یازدهم ه.ق، اندازه:۷/۱ × ۵ سانتی متر، قسمت بالا و سمت راست تصویر: پیرمرد، عمل نادر الزمان، مکتب گورکانی، ربع اول قرن یازدهم ه.ق، اندازه:۲/۴×۵ سانتی‌متر، پایین صفحه: شاه جهان و جهانگیر با حکیم گفتگو می‌کنند، مکتب گورکانی، ربع اول قرن یازدهم ه.ق، اندازه:۱۷/۵×۹/۵ سانتی متر و ۱۹/۲× ۱۴/۵" (راهنمای مرقع به زبان انگلیسی، ص۶)

دو شخص مهم دربار هند در این تصویر دیده می‌شوند، یکی از آن ها جهانگیر و دیگری شاه جهان است. نورالدین محمد جهانگیر سلطانی شخصی با فضائل انسانی، رقیق القلب، با ثبات و کنجکاو به هنر مغولی هند بود. در تصاویری که از او کشیده شده است، او فاقد جدیت است. علاقه جهانگیر به نگارگری از شور و ذوقی سرچشمه می گرفت که توسط آن به خوبی می‌توانست در مورد هنر قضاوت کند. شاه جهان نوه اکبر شاه بود و آرامش وی در عصر حکومتش بر سر چند شورش و جنگ با صفویان بر سر قندهار از بین رفت.وی به علت علاقه شدید به همسرش تاج محل را به یاد وی برپا ساخت. این دو شخص و حکیم همانطور که در تصویر دیده می شود بر گرد سر خویش هاله ای از نور دارند که بیانگر اهمیت ایشان است. در این تصویر گل نیلوفر در اطراف آن ها پراکنده است.

تصویر ۷: تصویر ۲۸ از مرقع، "همایون و اکبر همراه وزیرانشان، مکتب گورکانی، قرن یازدهم ه.ق، ۲.۲۳۰. ۲۱× ۲۰ سانتیمتر" (راهنمای مرقع به زبان انگلیسی، ص۱۰)

در این تصویر اکبرشاه در کنار پدر همایون شاه دیده می‌شود. وزیران نیز در خدمت دو پادشاه ایستاده اند.تاثیرات نگارگری ایرانی به خوبی در این تصویر نمایان است.نحوه نشستن و لباس پوشیدن آنها کاملا ایرانی است. در پایین صفحه تجلی گل نیلوفر آبی در نقاشی هویداست. برخی از عناصر تصویر هندی و برخی ایرانی گونه است. گل نیلوفر ۴/۱ از تصویر را به خود اختصاص داده است.

تصویر ۸: تصویر۳۸ از مرقع، "ملاقات اورنگ زیب با حضرت خضر، مکتب گورکانی، قرن یازدهم ه.ق، ۲۷/۶× ۱۶۵ سانتیمتر"(راهنمای مرقع به زبان انگلیسی،ص۱۱)

اورنگ زیب با غلبه بر دکن در اواخر قرن یازدهم هجری، حکومت مغول را به اوج قدرت و ثروت می‌رساند. او شخصی متعصب و مذهبی بود و همین تعصب سبب شد تا با هنرهایی از قبیل رقص، موسیقی و نگارگری به مقابله برخیزد. در همان قرن کارگاه های نقاشی سلطنتی را بست.

تصویر ۹: تصویر ۵۰ از مرقع، "قسمت بالا و چپ تصویر: صورت پیرمرد، مکتب گورکانی، قرن یازدهم ه.ق، ۵.۶ ×۵ سانتیمتر، قسمت مرکزی بالا: سنت جرج، نقش زنی اروپایی، قسمت بالا و راست تصویر: زن در حال نیایش، مکتب گورکانی، قرن یازدهم ه.ق، ۵/۶ ×۴ سانتیمتر، پایین: زنی با غنچه نیلوفر در دست، مکتب گورکانی، اوایل نیمه قرن یازدهم ه.ق، ۱۵×۱۹/۴ سانتیمتر"(راهنمای مرقع به زبان انگلیسی، ص ۱۲)

در تصویر پادشاه اورنگ زیب در حال ملاقات با حضرت خضر کنار دریاچه ای از گل های نیلوفر می باشد.

چهره و نحوهٔ لباس پوشیدن زن، تداعی کننده مریم مقدس است.در این تصویر ارتباطی میان مریم و گل نیلوفر برقرار است. این گل به صورت‌های مختلف در این مکتب دیده می شود. در این شکل غنچه نیلوفر بر دستان مریم است.

نتیجه‌گیری

گرچه نقاشی مغولی هند، خیلی پیش از پایان قرن شانزدهم شیوه ای را متجلی ساخت که به مراتب بیش تر از موازین اروپایی و بومی سرچشمه می‌گرفت ولی در مراحل آغازین خود از هنر ایرانی بسیار بهره برد.گل نیلوفر آبی از تقدس خاصی در هر دو فرهنگ ایرانی و هندی برخوردار است.جنبه تقدس نیلوفر به محیط آبی آن بر می‌گردد زیرا آب نماد باستانی اقیانوس کهنی بود که کیهان از آن آفریده شده است.از آنجا که گل نیلوفر در سپیده دم باز و در هنگام غروب بسته می‌شود به خورشید شباهت دارد. خورشید خود خاستگاه الهی زندگی است و از این رو گل نیلوفر سمبل تجدید زندگی شمسی به شمار می‌رفت. پس نماد همه روشنی‌ها، آفرینش، باروری، تجدید زندگی و بی‌مرگی است.نیلوفر نماد کمال است. زیرا برگ‌ها گل‌ها و میوه اش دایره ای شکل هستند و دایره خود از این جهت که کامل‌ترین شکل است نماد کمال به شمار می‌آید. نیلوفر به معنای شکفتن معنوی است، زیرا ریشه‌هایش در لجن است و با این حال به سمت بالا و آسمان می‌روید، از آبهای تیره خارج می‌شود و گل‌هایش زیر نور خورشید و روشنایی آسمان رشد می‌کنند.در فرهنگ ایران باستان گل نیلوفر را در تخت جمشید و در نقش برجسته‌های آن مشاهده می‌کنیم. در حجاری‌های طاق بوستان کرمانشاه هم گل نیلوفر مربوط به زمان ساسانیان دیده می‌شود از آنجا که این گل با آب درارتباط است نماد آناهیتا ایزد بانوی آب‌های روان است.آن رامی توان در جای جای بنای پارسه و در حاشیه بناها مشاهده کرد.بودا و مهر از گل نیلوفر آبی تولد یافته اند و در دوره مغول این نقشمایه وارد هنر ایرانی شد و در دوره صفوی نقش این گل به گل شاه عباسی، شهرت یافت.این گل به شکل های مختلف همچون غنچه، پرپر، باز شده در هنرهای دیگر علاوه بر نگارگری مانند کاشی کاری، قالیبافی، تذهیب دیده می شود که از محتوای این مقاله خارج است. پس تاریخ مبادلات عناصر فرهنگی ایران و هند تنها ذکر یک نوشتار کافی نیست، بلکه عاملی مهم برای درک هنر مکتب گورکانیان است. ادغام، قبول و استحالهٔ فرهنگ ایرانی در هندوستان الگویی برای داشتن یک فرهنگ

همزیستی مسالمت آمیز و بردبارانه است که نتایج آن الگوهای غنی و پر از احساس در تاریخ هنر برجا گذارد.

پی نوشت

1.Mughal painting

2.Nympheaceae

3. Vishnu ویشنو

4. Brahma

به همین دلیل برهما را Abjaja یعنی از نیلوفر پدید آمده می‌گویند.

5.yazata

ایزد به زبان اوستایی یزته از ریشه یزه به معنی پرستیدن است و ایزد در خور ستایش معنی میدهد.

6.Varuna

7. Jambu dvipa

فهرست منابع

الف: **کتاب های فارسی**

۱- ابواقاسمی، محسن، **دین ها وکیش های ایرانی در دوران باستان**، تهران، هیرمند، چاپ دوم، ۱۳۸۶

۲- بینیون، لورنس، نیکلسون، ج. و. س، گری، بازیل، **سیر تاریخ نقاشی ایرانی**، ترجمه: محمد ایرانمنش، تهران،امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۷

۳- بلخاری قهی،حسن، **اسرار مکنون یک گل**، تهران، حسن افرا، چاپ اول، ۱۳۸۴

۴- پاکباز، رویین **دایرةالمعارف هنر**، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۱

۵- حصوری، علی، **مبانی طراحی سنتی در ایران**، تهران، چشمه، چاپ دوم، ۱۳۸۵

۶- حسینی، سید رضا، **شناخت هنر گرافیک**، تهران، مارلیک، چاپ سوم، ۱۳۸۸

۷- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۲۸

۸- رجبی، محمد علی، **شاهکارهای نگارگری ایرانی**، تهران، موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۸۴

۹- شایگان، داریوش، **بت های ذهنی و خاطره ازلی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱

۱۰- غراب، راحله، **نماد خورشید در فرهنگ و ادبیات**، مشهد، محقق، ۱۳۸۴

۱۱- ماورا النهری، ایوب، آبرو، **تونکی دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره**، فرهنگستان زبان و ادب، جلد اول

۱۲- یاحقی، محمد جعفر، **فرهنگ اساطیر**، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵

ب: **مقالات فارسی**

۱- رهنمون، پوپک، اسلامی، مونا، **حمزه نامه**، عظیم ترین مجموعه مصور گورکانی، فصلنامه هنر، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷

ج: **منابع اینترنتی**

http://daneshnameh.roshd.ir/mavara

غروی، مهدی، **حمزه‌نامه بزرگترین کتاب مصور فارسی**، سایت پژوهشکده فرهنگ و تمدن ایران www.fareiran.com

د: **منابع لاتین**

1- T.V. Grek, **Album of Indian and Persian miniatures of the XVI-XVIIIth centuries**, Moscow Izdatel'stvo Vostochnoi literatury, 1962

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی